تأثیر مواضع رئیس‌جمهور در قطعنامه شورای حکام

پالس‌هایی که اروپا را گستاخ کرد

همه چیز از اردیبهشت‌ماه سال ۹۷ آغاز شد، اردیبهشتی که روح، جسم و جان برجام با خروج یکجانبه آمریکا از توافق هسته‌ای، به تاراج برده شد و ایران ماند و کالبد بی‌جان یک توافق.

این خروج واکنش‌های کلامی زیادی را از جانب ایران و حتی سایر کشورهای جهان به همراه داشت و گمانه‌زنی‌های زیادی در رابطه با عملکرد ایران در واکنش به این خروج یکجانبه مطرح شد. برخی ناظران سیاسی اعتقاد داشتند ایران در مواجهه با بدعهدی آمریکا زیر میز بازی می‌زند و قاعده را تغییر می‌دهد و در نهایت برجام به یک بازیِ یک سر باخت و یک سر سود تبدیل خواهد شد.

اما در عمل، رویکرد دولتمردان ایران بالاخص رئیس‌جمهور در مواجهه با این اتفاق، ماندن در برجام بود و این تصمیم همانند بسیاری از تصمیمات دیگر دولت، مخالفان و موافقان زیادی داشت.

مخالفین بر این عقیده بودند که برجام یک توافق ننگین است و حالا که ترامپ به‌عنوان رئیس‌جمهور آمریکا زیر این توافق زده، ما نیز باید پاسخی درخور به این اقدام بدهیم و با خروج از برجام زودتر از زیر بار این توافق شانه خالی کنیم. در مقابل، موافقین این تصمیم مدام محاسن ماندن در برجام را به انحای مختلف برمی‌شمردند و تمام‌قد از این تصمیم دفاع می‌کردند.

پالس‌هایی که اروپا را علیه ایران جسورتر کرد

تا اینکه در اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۹۸ و درست همزمان با سالگرد خروج آمریکا از برجام نهایتاً شرایط بازی تغییر کرد و شورای عالی امنیت ملی در مورخ ۱۸ اردیبهشت‌ماه، با صدور بیانیه‌ای خطاب به کشورهای عضو برجام، اعلام کرد: «جمهوری اسلامی ایران در طول یک‌سال گذشته و پس از خروج غیرقانونی ایالات متحده آمریکا از توافق برجام و نقض مصوبات شورای امنیت سازمان ملل متحد، نهایت خویشتن‌داری را از خود نشان داده و به درخواست دیگر اعضای برجام فرصت قابل توجهی در اختیار آنها قرار داده است و در راستای صیانت از امنیت و منافع ملی مردم ایران، و در اعمال حقوق خود مندرج در بندهای ۲۶ و ۳۶ برجام، از امروز ۱۸ اردیبهشت ۹۸ برخی اقدامات خود در توافق برجام را متوقف می‌کند.»

در ادامه این بیانیه آمده است: «جمهوری اسلامی ایران در مرحله فعلی دیگر خود را متعهد به رعایتِ محدودیت‌های مربوط به نگهداری ذخایر اورانیوم غنی‌شده و ذخایر آب سنگین نمی‌داند. چنانچه در این مهلت کشورهای مزبور قادر نباشند مطالبات ایران را تأمین کنند، در مرحله بعدی جمهوری اسلامی ایران رعایت محدودیت‌های مربوط به سطح غنی‌سازی اورانیوم، و اقدامات مربوط به مدرن‌سازی رآکتور آب سنگین اراک را نیز متوقف خواهد کرد.»

می‌توان گفت اولین اقدام و واکنش عملی به خروج آمریکا از برجام، همین اعلام ایران تحت عنوان «کاهش تعهدات برجامی» بود که بیانیه آن طی نامه‌های جداگانه از سوی حسن روحانی به سران کشورهای عضو برجام ارسال و به موجب آن به کشورهای باقیمانده در برجام ۶۰ روز برای اجرای تعهدات خود به‌ویژه در حوزه‌های بانکی و نفتی فرصت داده شد.

درضمن بیانیه روحانی خطاب به سران ۴+۱ تأکید قابل توجهی وجود دارد مبنی بر اینکه «هر زمان خواسته‌های ما تأمین شود، ما نیز به همان میزان اجرای مجدد تعهدات متوقف شده را از سر خواهیم گرفت، اما در غیراین صورت، جمهوری اسلامی ایران مرحله به مرحله تعهدات دیگری را متوقف خواهد کرد.»

به اعتقاد بسیاری از ناظران سیاسی، بیانیه روحانی و تأکیدات مکرر وی خطاب به کشورهای اروپایی، به نوعی پالسی بود که اثر گام‌های اول تا پنجم کاهش تعهدات برجامی را بی‌اثر کرد و کار را به جایی کشاند که نه تنها تروئیکای اروپایی به مسیر انجام تعهدات خود بازنگشتند که در نهایت پیشنهاد بررسی پرونده هسته‌ای ایران در شورای حکام آژانس انرژی اتمی را هم مطرح کردند.

۳۰ خرداد ماه ۹۹ بود که خبر تصویب قطعنامه ضدایرانی در شورای حکام با ۲۵ رأی مثبت، که حاصل پیشنهاد سه کشور اروپایی فرانسه، آلمان و انگلیس بود، اعلام شد و به موجب آن اعضای شورای حکام از ایران به دلیل عدم همکاری با تحقیقات آژانس انتقاد کرده و طی بیانیه‌ای از ایران خواستند که در اجرای توافقنامه پادمانی و پروتکل الحاقی با آژانس همکاری کرده و بدون تأخیر خواسته‌های آژانس را اجابت کند.

بسیاری از کارشناسان سیاسی معتقدند، تصویب «قطعنامه ضدایرانی شورای حکام» محصول ملاحظه‌کاری همیشگی دولتمردان در مواجهه با غرب و تأکیدات پی‌درپی رئیس‌جمهور مبنی بر ارائه فرصت به اروپا برای جبران بدعهدی‌های برجامی آمریکاست، فرصت‌هایی که اروپا را بیش از پیش گستاخ‌تر کرد.

مشروح اظهارنظرهای حسن روحانی رئیس‌جمهور در رابطه با گام‌های کاهش تعهدات برجامی به شرح ذیل است:

گام اول| روحانی: قصد لجبازی نداریم!

* **۱۸ اردیبهشت ماه [جلسه هیئت دولت]:** «مردم بدانند ما از برجام خارج نشدیم و برجام پابرجاست. ما امروز کاهش آن و نه خروج از برجام را اعلام کردیم. برجام، همان برجام است و تغییر نمی‌کند اما حاضریم برای اجرایی شدن بهتر آن و اجرای تعهدات شما (۵ کشور باقی مانده در برجام) و شکل اجرای تعهدات، پای میز مذاکره بنشینیم»

* **۲۴ اردیبهشت [در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام با رهبر انقلاب اسلامی]:** «برخی به اشتباه می‌گویند که ۶۰ روز مهلت دادیم تا ۶۰ روز دیگر عمل کنند در حالی که ما از روز ۱۸ اردیبهشت عمل کردیم و ۲ تعهد را کنار گذاشتیم و ۲ تعهد دیگر را نیز بعد از ۶۰ روز کنار خواهیم گذاشت.»

* **۲۹ خردادماه [جلسه هیئت دولت]:** «چنانچه آنها در این دوره به تعهدات خود عمل کنند، همه اقداماتی که در ۶۰ روز اول و یا احتمالاً ۶۰ روز دوم انجام گرفته، به نقطه اول برمی‌گردد و مشکلی ایجاد نمی‌شود، این منطق صریح ایران است.»

* **۴ تیر [گفت‌وگوی تلفنی با امانوئل مکرون رئیس‌جمهور فرانسه]:** «ایران هرگز اقدامی غیرقابل بازگشت انجام نخواهد داد و هر زمان اجرای برجام از سوی ۴+۱ به‌ویژه در زمینه حل و فصل روابط بانکی و فروش نفت انجام شود، شرایط به گذشته بازخواهد گشت»

* **۱۲ تیر ۹۸[جلسه هیئت دولت]:** «اگر طرف‌های مقابل به تعهدات خود بازگردند، بازگشت ایران به شرایط توافق به سرعت انجام خواهد شد و اگر تولید بالایی هم انجام دهیم در مدت کوتاهی آن را به کشوری دیگر مانند روسیه فروخته و در قبال آن کیک زرد دریافت می‌کنیم. ایران اعلام کرده در تولید آب سنگین به ۱۳۰ تن تعهدی ندارد و ممکن است افزایش داشته باشد. اگر شرایط توافق حاصل شود بازگشت به زیر ۱۳۰ تن هم خیلی سریع می‌تواند انجام شود. تمام اقداماتی که ایران به واسطه عدم پایبندی طرف‌های مقابل به تعهدات برجام، انجام می‌دهد به سرعت قابل بازگشت است و ایران هرگز قصد لجبازی با دیگران و برهم زدن توافق را ندارد.»

گام دوم| روحانی: برگردید، برمی‌گردیم!

* **۱۵ تیرماه ۹۸ [گفت‌وگوی تلفنی با امانوئل مکرون رئیس‌جمهور فرانسه]:** «اقدامات اخیر ایران کاملاً در چارچوب برجام بوده و برای حفظ آن است»

* **۱۹ تیر ۹۸ [جلسه هیئت دولت]:** «ما ۱۴ ماه به شما (اروپا) فرصت دادیم و باز هم با اقدام جدید خود ۲ ماه دیگر فرصت دادیم. مبنای ما این است که فضا و زمان لازم را برای حفظ برجام تا جایی که ممکن است نگه داریم»

* **۲۳ تیر ۹۸ [جلسه شورای اداری و توسعه خراسان شمالی]:** «اگر آنها با کاهش تعهدات عمل کنند ما هم تعهدات خود را کاهش می‌دهیم، اگر برجام را نقض کنند ما هم نقض می‌کنیم. اگر هم تعهدات خود را به‌صورت کامل اجرا کنند ما نیز کامل اجرا خواهیم کرد. ما همیشه برای مذاکره آماده‌ایم، همین ساعت و همین لحظه شما از زورگویی و تحریم دست بردارید و پای منطق و عقل برگردید ما آماده‌ایم.»

* **۲۷ تیر ۹۸ [گفت‌وگوی تلفنی با «امانوئل مکرون» رئیس‌جمهور فرانسه]:** «لغو تحریم‌های آمریکا راهکاری برای استمرار تلاش‌ها برای حفظ و ادامه برجام و بازگشت شرایط به گذشته است»

* **۲ مرداد ۹۸ [جلسه هیئت دولت]:** «بارها تأکید کرده‌ایم کاهش تعهدات کشورمان موقتی است و چنانچه آنها به تعهدات خود به طور کامل عمل کنند، قابلیت بازگشت به شرایط قبل از کاهش تعهدات‌مان را داریم و چنانچه طرف مقابل اقدامات درست و متعادلی انجام دهد و آتش‌بس در جنگ اقتصادی حاصل شود، فرصتی ایجاد خواهد شد که با یکدیگر سخن گفته و به نتیجه برسیم. همه بدانند که هرگز فرصت مذاکره را از دست نخواهیم داد و چنانچه به نتیجه نرسیم و فرصت ۶۰ روزه دوم هم به پایان برسد، حتماً گام سوم را نیز برمی‌داریم.»

* **۸ مرداد ۹۸ [تماس تلفنی با امانوئل مکرون]:** «بارها تأکید کردیم اقدامات ایران در کاهش تعهدات برجامی تا این مرحله به‌گونه‌ای است که در صورت تأمین منافع اقتصادی ایران از سوی اروپا به سرعت قابل بازگشت به نقطه قبلی خواهد بود.»

* **۴ شهریور ۹۸ [مراسم ارائه دستاوردهای دولت در توسعه زیرساخت‌های روستایی]:** «در عین حال که در این تحریم‌ها مقاومت می‌کنیم مقابله‌به‌مثل هم می‌کنیم، تعهدات خود را کاهش می‌دهیم، اما فرصت برای مذاکره و دیپلماسی را هم قرار می‌دهیم و با ۲ ماه فاصله بین هر مرحله از کاهش تعهدات راه برای حل مشکلات از مسیر دیپلماسی را باز می‌گذاریم.»

* **۵ شهریور ۹۸ [مراسم آغاز عملیات اجرایی طرح اقدام ملی تولید مسکن]:** «پنج قدرت جهانی اگر به تعهدات خود برگردند ما هم باز خواهیم گشت.»

* **۹ شهریور ۹۸ [تماس تلفنی با رئیس‌جمهور فرانسه]:** «رویکرد اصلی جمهوری اسلامی ایران حفظ برجام است. گام سوم کاهش تعهدات برجامی هم مانند دیگر مراحل اقدامی قابل بازگشت خواهد بود.»

* **۱۲ شهریور ۹۸ [در جلسه بررسی و رأی اعتماد مجلس به دو وزیر پیشنهادی]:** «اگر اروپا به بخش مهمی‌از تعهدات خود عمل کند؛ ممکن است در کاهش تعهدات تجدید نظر کنیم.»

گام سوم| روحانی: آمادگی برای بازگشت به تعهدات!

* **۱۳ شهریور ۹۸ [جلسه سران قوا]:** «هر آنچه کشور در زمینه تحقیق و توسعه فناوری هسته‌ای نیاز دارد، سازمان انرژی اتمی‌اقدام کند. مرحله اول کاهش تعهدات را انجام دادیم بعد ۲ ماه به ۴+۱ فرصت دادیم، مرحله دوم را هم عمل کردیم و باز ۲ ماه دیگر به آنها فرصت دادیم، البته در هر ۲ ماه، مذاکراتی با کشورهای ۴+۱ و از جمله اتحادیه اروپا و مخصوصاً ۳ کشور اروپایی داشتیم اما چون به نتیجه مطلوب خودمان نرسیدیم، گام سوم از پس‌فردا (۱۵ شهریور) برداشته می‌شود.»

* **۲۰ شهریور ۹۸ [تماس تلفنی با رئیس‌جمهور فرانسه]:** «در صورتی که توافقات با اروپا نهایی شود، آماده‌ایم به تعهدات برجامی برگردیم. گام سوم کاهش تعهدات برجامی قابلیت بازگشت‌پذیری دارد.»

* **۲۵ شهریور ۹۸ [دیدار با رئیس‌جمهور روسیه]:** «در صورت ایفای تعهدات طرف مقابل، ایران نیز آماده بازگشت به تعهدات برجامی است.»

* **۲۷ شهریور ۹۸[جلسه هیئت دولت]:** «ایران هنوز هم به تعهدات خود در برجام پایبند بوده است.»

* **۴ مهر ۹۸ [نشست خبری با نمایندگان رسانه‌های بین‌المللی در نیویورک]:** «کاهش تعهدات برجامی به‌گونه‌ای است که قابل بازگشت باشد؛ یعنی همین ساعتی که با هم صحبت می‌کنیم، اگر ۴+۱ اعلام کند که به همه تعهدات‌مان عمل می‌کنیم ما نیز فوری به تعهدات‌مان در برجام برمی‌گردیم.»

* **۲۲ مهر ۹۸[نشست خبری]:** «اگر آنها [اروپایی‌ها] به تعهدات‌شان در این فرصت برگردند، می‌توانیم به تعهدات کامل برگردیم و اگر آنها همین مسیر را ادامه دهند گام‌های بعدی را در این زمینه برخواهیم داشت.»

گام چهارم| روحانی: همانند گام‌های قبلی!

* **۱۴ آبان ۹۸ [مراسم افتتاح کارخانه نوآوری آزادی]:** «گام چهارم همانند گام‌های قبلی قابل بازگشت است و هر زمان که آنان به تعهدات اول ژانویه ۲۰۱۷ خود بازگردند ما نیز به تعهدات خود در این تاریخ بازخواهیم گشت.»

* **۲۸ آبان ۹۸ [در جریان دریافت استوارنامه سفیر جدید سوئد]:** «کاهش برخی تعهدات برجامی هم در چارچوب برجام بوده و به محض اینکه طرف‌های دیگر به تعهدات خودشان برگردند، ایران نیز به تعهدات خود بازخواهد گشت.»

* **۱۳ آذر ۹۸[همایش بیمه و توسعه]:** «ما ناقص برجام نبودیم و هنوز هم به این توافق عمل می‌کنیم و اگر امروز کاهش تعهدات داریم، در چارچوب همین قرارداد است.»

گام پنجم| روحانی: آنچه انجام دادیم قابل بازگشت است

در نهایت ۱۵ دی ماه ۹۸، ایران پنجمین و آخرین گام خود را در راستای کاهش تعهدات برجامی برداشت اما رئیس‌جمهور همچنان نسبت به طرف مقابل موضعی امیدوارانه و همراه با نرمش کلام اتخاذ کرد.

* **۱۹ دی ۹۸ [تماس تلفنی با نخست‌وزیر انگلیس]:** «اگر اروپا به تعهدات خودش برگردد ایران هم به تعهدات برجامی خود بازخواهد گشت»

* **۲۵ دی ۹۸[جلسه هیئت دولت]:** «در روزهای اخیر به ۲ نفر از رهبران اروپا به صراحت گفتم، آنچه انجام دادیم [گام پنجم کاهش تعهدات هسته‌ای]، قابل بازگشت و با نظارت آژانس اتمی‌است.»

آنچه از برآیند سخنان روحانی برداشت شد و به نوعی اروپایی‌ها را نسبت به فریادهای اعتراضی رئیس‌جمهور بی‌تفاوت و آنها را در بی‌عملی و حتی همراهی با آمریکا جسورتر کرد، این بود که روحانی دائماً این جمله را طی چند ماه به زبان آورد که «هر زمان به تعهدات برجام بازگردید، ما هم به تعهداتمان عمل می‌کنیم.»

اطمینان از ماندن ایران در برجام جری‌تر شدن اروپا

حجت‌الاسلام جواد مجتهد شبستری عضو مجلس خبرگان رهبری در رابطه با تصویب قطعنامه شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی‌علیه ایران، می‌گوید: «این‌طور که به‌نظر می‌آید مماشات بیش از حد با اروپا، با توجه به اینکه آمریکا از برجام خارج شد و عملاً چیزی از برجام باقی نماند به این نتیجه منجر شد که اروپا تلاش کرد ایران در برجام بماند و ایران را ملزم کرد که تعهدات برجامی خود را رعایت کند و در ازای تعهدات، ایران هیچ اقدامی انجام ندهد.» وی معتقد است: «اینکه ایران از برجامی که چیزی از آن باقی نمانده بود خارج نشد، سبب شد که اروپا گستاخ‌تر شود و این موضوع ناشی از آن است که اقدامات متقابلی که ایران باید نسبت به تعهدات خود یا خروج از برجام انجام می‌داد، انجام نداد و وقتی آنها مطمئن شدند ایران از برجام خارج نمی‌شود جری‌تر شدند و رفتار گستاخانه خود را ادامه دادند.»

قطعنامه شورای حکام نتیجه مماشات با اروپاست

اقبال شاکری نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی نیز در گفت‌وگویی، در همین رابطه بر این عقیده است که «قطعنامه ضدایرانی شورای حکام قطعاً نتیجه مماشات با اروپایی‌ها بود که بارها و بارها این مسئله را آزموده‌ایم اما جواب منفی داده است.» او می‌گوید: «ما امروز پشت‌سر هم در حال خسارت دادن هستیم و هیچ‌گونه دستاوردی از مذاکره با غربی‌ها بدست نیاورده‌ایم. مماشات با کشورهای غربی جز ضرر چیزی برای ایران به بار نیاورد.»

مذاکره، زورگویان را گستاخ‌تر می‌کند

محمد حاجی ابوالقاسم دولابی عضو مجلس خبرگان رهبری هم در گفت‌وگویی می‌گوید: «انجام یک‌جانبه تعهدات برجامی از سوی ایران، در نهایت موجب شد تا آمریکا به راحتی از این توافق خارج شود. تکلیف آمریکا، از ابتدای به اجرا درآمدن برجام با وجود کارشکنی‌ها و بدعهدی‌هایی که گاه و بی‌گاه انجام می‌داد، برای مسئولانِ کشور روشن شده بود اما با این وجود برخی دائماً تأکید بر حفظ توافق هسته‌ای و انجام تعهدات یکجانبه داشتند.»

وی معتقد است: «قطعنامه شورای حکام و تحریم‌های متعدد ایالات متحده علیه ایران، این واقعیت را ثابت کرد که راهبرد مذاکره در مواجهه با آمریکا به هیچ وجه جواب نمی‌دهد و تجربه این چند سال باید برای مسئولانِ طرفدار مذاکره ثابت کرده باشد که ما هیچگاه نمی‌توانیم با مذاکره و گفت‌وگو از یک زورگو امتیاز بگیریم بلکه تنها او را گستاخ‌تر می‌کنیم.»

عدم واکنش جدی از دولت؛ جری‌تر شدن اروپا

به اعتقاد سید نظام‌الدین موسوی نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، «یکی از وجوه تصویب قطعنامه شورای حکام، انفعال دستگاه سیاست خارجی در برابر نقض گسترده برجام توسط آمریکا و اروپاست.» وی به خبرگزاری مهر می‌گوید: «بعد از اینکه آمریکا به‌صورت یکجانبه از برجام خارج شد، ایران باید واکنشی جدی نسبت به این موضوع نشان می‌داد و لازم بود که دولت در واکنش به این اقدام، تصمیمات محکم‌تری می‌گرفت اما گام‌هایی جدی در این راستا برداشته نشد. دولت تلاش کرد که بین اروپایی‌ها و آمریکا تفکیک قائل شود. بعد از اینکه اروپایی‌ها به این نتیجه رسیدند که دولت ما اقدامی جدی در مقابل آنان انجام نمی‌دهد، جری شدند.»

منبع: خبرگزاری مهر

آقای سخنگو سلام‌علیکم!

حسن رضایی

سخنگوی محترم دولت اخیرا در دفاع از عملکرد دولت در حوزه اقتصادی گفته است اگر کسان دیگری در مصدر دولت داری بودند، اوضاع صد برابر بدتر می‌شد. قاعده این است که سخنگو، سخن بی‌حساب نگوید و به جای فرافکنی و حمله به دشمن فرضی، در مقام پاسخگویی به مردم و رسانه‌ها، صداقت تام داشته باشد. بر این اساس، ما به‌عنوان مردم و جامعه‌ای که طعم ۷ سال مدیریت دولت آقای روحانی را بر زندگی خود و اطرافیانمان چشیده‌ایم، حتما این حق را داریم که از آقای ربیعی بپرسیم، بر اساس کدام سند و معیار چنین محاسبه‌ای را صورت داده است؟ و اساساً صد برابر بدتر از وضع فعلی، کجاست که آقای سخنگو منت رخ ندادن آن را بر سر جامعه می‌گذارد؟ طبق گفته مراکز معتبر مانند مرکز پژوهش‌های مجلس، دیوان محاسبات و...، درصد قابل اعتنایی از مردم کشور طی چند سال اخیر به زیر خط فقر رفته‌اند. برخی از کارشناسان اقتصادی از آمارهای بالای ۵۰ درصد در این زمینه سخن می‌گویند.

بر این اساس، آقای ربیعی به‌عنوان سخنگوی دولت و کسی که باید جوابگوی تأثیر این حجم از تدبیر و عقلانیت؟ بر زندگی ما عوام باشد، با صدای رسا هنوز ما را از این می‌ترساند که اگر ما نمی‌آمدیم، اکنون ۵۰۰۰ درصد مردم زیر خط فقر رفته بودند! روی دیگر محاسبات آقای سخنگو این است که در صورت رای نیاوردن حسن روحانی در سال ۹۶، اکنون قیمت هر یک دلاری، نزدیک به ۲۰ میلیون و قیمت سکه به ۸۰۰ میلیون تومان رسیده بود! قیمت پراید به ۷ میلیارد تومان و حکما شانس هر ایرانی برای برنده شدن در قرعه‌کشی این اسب مراد هم، به کمتر از یک در صدمیلیارد رسیده بود. چنان‌که ناگفته مشخص است، سخنان آقای سخنگو را نمی‌توان چیزی جز مبتذل کردن امر سیاسی و بی‌احترامی به مخاطب نامید. تا آنجا که حافظه تاریخی ما به یاد دارد، حتی طرفداران آقای روحانی در بازه تبلیغات انتخاباتی هم چنین حجمی‌از ابتذال سیاسی را در تبلیغات خود وارد نکرده بودند.

آنها مردم را نهایتا از دلار ۵ هزار تومانی و رسیدن قیمت هر گرم طلا به ۳۰۰ هزار تومان در صورت رأی‌آوردن آقای رئیسی می‌ترساندند و خودشان هم تصور نمی‌کردند دولت محبوب‌شان قرار است چه بلایی بر سر قدرت خرید مردم، اقتصاد ملی و ارزش پول ایرانی بیاورد. حالا اما سخنگوی محترم دولت به‌جای پاسخگویی صادقانه به افکار عمومی و عذرخواهی از مردم بابت به زیر خط فقر کشاندن بخش عظیمی از آنها، مرزهای استدلال و تخیل در این حوزه را با رکوردهای جدیدی روبه‌رو می‌کند. سخنان طلبکارانه، غیرمنطقی و زشت آقای ربیعی در حالی ایراد می‌شود که نه منتقدان که حتی مدافعان دولت نیز از عملکرد دولت در حوزه اقتصادی به ستوه آمده، علنا سعی در جدا کردن صف خود از امثال آقای ربیعی دارند. لذا توقع آن است که حالا پس از گذشت ۷ سال و مشخص شدن عیار این‌گونه سخنان فضایی، سخنگوی محترم دولت به فکر پاسخگویی صادقانه و عذرخواهی فروتنانه از مردمی باشد که هر روز بیشتر تحت فشار تدابیر دولت اعتدال روال معمول زندگی شان متلاطم می‌شود.

آقای ربیعی خوب است پیش از طرح این سخنان تبلیغاتی دیرهنگام، حداقل نگاهی به اطراف خود انداخته ببیند آیا چنین سخنانی در حلقه طرفداران دولت- و نه در فضای عمومی جامعه- خریدار دارد یا طرح آنها بیشتر به وهن دولت و نارضایتی مردم می‌انجامد؟ شهریور ۹۷ سعید لیلاز روزنامه‌نگار اقتصادی اصلاح‌طلب به یورونیوز گفته بود «اختیاراتی که آقای خامنه‌ای به روحانی و سران سه قوه داده اگر به چوب داده بود تا الان یک کاری کرده بودند.» نظیر این سخنان طعن آمیز از حامیان دیروز دولت، بسیار است و فرصت مرور یک هزارم آنها هم در این وجیزه نیست. همه اینها در حالی است که ایده مرکزی دولت در زمینه ارتباط با غرب برای بهبود اوضاع اقتصادی، به‌صورت کامل شکست خورده و دولت تاکنون هیچ راه جایگزینی جز سینه خیز رفتن به همان راه باطل گذشته ارائه نکرده است.

از سویی، سخنگوی محترم دولت در حالی به جای پاسخگویی فروتنانه به مردم، دولت را با نتیجه ۱۰۰ بر یک از یک دشمن فرضی و فضایی پیش می‌داند که دولت دوازدهم پس از چند سال فحاشی به طرح‌های دولت احمدی‌نژاد، حالا در حال بازگرداندن، استفاده کردن و اجرای تک تک آنهاست! کارت سوخت، مسکن مهر، طرح ایران کد و شبنم، پرداخت یارانه و سهام عدالت، تنها موارد بیشتر شناخته‌شده این فهرست هستند. با این اوضاع، سؤال این است که سخنگوی محترم دولت به چه رویی خطاب به رسانه‌ها و مردم طلبکارانه سخن می‌گوید که اگر ما نبودیم، اوضاع صد برابر بدتر می‌شد؟! سخن کوتاه؛ آقای ربیعی، سلام علیکم!

تله مذاکره

اساساً در ادبیات روابط بین‌الملل قدرت‌های استعماری و استکباری، ابزارهای مختلفی برای تأمین منافع و اهداف‌شان منظور می‌کنند که مذاکره یکی از آنهاست، ولی خارج از شکل‌های چندگانه ولی رومانتیک نظری برای مذاکره؛ این ابزار هیچ‌گاه با رویکرد برد ـ برد به‌کارگیری نمی‌شود و تمام متغیرها و عوامل مؤثر به شکلی دنبال می‌شوند که طرف مقابل با امتیازدهی حداکثری در مقابل این قدرت‌ها، تعظیم و تسلیم را بپذیرد و در شبکه اقماری نفوذ و سلطه استعماری قرار گیرد.

روش‌هایی که برخی حکومت‌های حزبی در ایالات متحده یا استعمارگران از توان افتاده اروپایی دنبال می‌کنند، صرفاً برای جذاب‌سازی محتوای استعمار و سلطه بر دیگران است؛ از این رو اصل توافق با غرب را یک مزیت و امتیاز معرفی و تصویر می‌کنند تا امتیازدهی به این قدرت‌ها، نوعی باخت و شکست تلقی نشود؛ در واقع تکیه‌گاه این روش نرم استعماری، لشکر طرفدار اندیشه‌های غربی و کسانی است که ابتدا از آنچه دارند،گریزان شده‌اند و ثروت شخصیتی، ملی، تاریخی، فرهنگی و منافع ملی خود را نادیده می‌گیرند یا بی‌ارزش تلقی می‌کنند و اصالت حقوق خود را در گروی پیوند با قدرت استعماری می‌دانند.

این گروه همچون ستون پنجم دشمن، وظیفه زیباسازی کرنش در مقابل غرب را برعهده‌دارند، حتی اگر این کرنش و امتیازدهی، حاصلی در بر نداشته باشد؛ یعنی جوهر اندیشه این افراد و جریان‌ها، اصرار بر پیوند و تعامل با غرب است و همه سعادت، خوشبختی، رشد، توسعه و حقانیت را در پذیرش آقایی و سلطه غرب بر تمام شئون شخصی و حاکمیتی خود می‌پندارند؛ بنابراین وقتی بحث مذاکره با آمریکا را بررسی می‌کنیم، باید حداقل به دو بخش یادشده، یعنی اراده و هدف‌گذاری قدرت‌های استعماری در تعامل با دیگران و مطالبات و قواعد مذاکراتی آنها به موازات کارکرد ستون پنجم غرب‌پرستان که نقشی به مراتب زیان‌بارتر از دشمن دارند، توجه کنیم و آن را در کلید محاسبات و طراحی‌های خود در نظر بگیریم؛ چراکه این گروه با حمایت، تشویق و انگیزه‌سازی قدرت‌های استعماری، وظیفه‌ای گسترده در اختیار دارند و صرفاً به ترویج اندیشه سلطه‌پذیری غربی اکتفا نمی‌کنند و برای فرسوده کردن ساختارها، برنامه‌های ملی و رویکردهای استقلال‌خواهانه و بسیاری از مؤلفه‌هایی که طرح‌های دشمن را با چالش روبه‌رو می‌کند، مقابله می‌کنند و پیاده‌نظام دشمن در بین جامعه خودی به شمار می‌آیند. شاید اغلب این افراد جاسوس و مزدبگیر هم نباشند که نیستند؛ ولی پرستش غرب، اندیشه‌ها و نمادهای آن، انگیزه خودبه‌خودی اقدامات و تلاش‌های آنهاست و از هیچ فرصتی فروگذار نمی‌کنند.

مسئله دیگر این است که در ادبیات بین‌المللی قدرت‌های استعماری، کلمات معانی متضاد و وارونه‌ای دارند و برخی کلمات فقط برای ویترین مفهوم زشت دیگر کلمات استفاده می‌شوند؛ مثلاً آمریکا اگر سخن از توافق از طریق مذاکره به میان می‌آورد، معنای آن این است که خودمان چگونه می‌پذیریم که خواسته‌های آنها را تحقق ببخشیم و به منافع استعماری آنها احترام بگذاریم، یا اینکه وقتی هدف مذاکره و توافق را تغییر رفتار بیان می‌کنند، منظورشان براندازی کامل ماهیتی و کارکردی است؛ همان‌گونه که دموکراسی از نگاه آنها این است که مزدوران و طرفداران آنها، چگونه و با چه قواعدی بتوانند حاکم یا در حاکمیت شریک شوند و هیچ‌گاه دموکراسی عددی برای آنها مفهوم ندارد. آمریکا و غرب معتقدند اگر در کشورهای اسلامی و شرق انتخابات و دموکراسی عددی به اجرا در آید، کسانی‌که مخالف سلطه استعماری و با غرب و خواسته‌های تجاوزکارانه‌اش در تضاد هستند، به قدرت می‌رسند و این به معنای دموکراسی نیست. دموکراسی از دیدگاه غرب این است که در فرمول‌های رقابت اجتماعی و سیاسی، استعمار نوین و پیشرفته برای حاکمیت طرفداران یا دست‌نشاندگان آنها چگونه فراهم می‌شود؛ از این‌رو در تمام جهان، این قدرت‌ها با دیکتاتورها، جانیان، بی‌هویت‌ها، مزدوران، تروریست‌ها و فاسدان سیاسی و اقتصادی و از این دست هم‌پیمان هستند و از آنها حمایت می‌کنند. هیچ نمونه‌ای از یک هم‌پیمانی با طرف‌های شرافتمند، وطن‌پرست و مستقل در پرونده مناسبات جهانی آمریکا و غرب وجود ندارد. در چارچوب‌های فوق، آمریکا از ۴۱ سال قبل تمام ابزارهای براندازی و تضعیف را به کار گرفته، ولی بی‌نتیجه بوده است و اکنون با روش‌های پیچیده‌تر و به‌کارگیری تمام ابزارها، مدل جدیدی از مؤلفه‌های فراهم‌کننده زمینه بازگشت به سلطه و تحقق اهداف استعماری را تجربه می‌کند. زمانی‌که ابزار تحریم و فشار اقتصادی به موازات سیاست ترور و انواع فشارهای سیاسی، امنیتی و بین‌المللی به نقطه شکست و فروپاشی کارکردهای راهبرد فشار می‌رسید، اوباما پروژه مذاکره را آغاز کرد، ولی با تکیه بر همین پیاده‌نظام داخلی، توافقی ایده‌آل، یک‌سویه و فاقد هرگونه تضمین برای حقوق ایران را رندانه تحمیل کرد. استراتژی بزرگ اوباما نیز، هدف براندازی را مرحله‌ای و گام‌به‌گام در نظر گرفته بود، به‌نحوی که در هر مرحله، بخشی از اهداف کلان و اصلی به پیش می‌رفت و با احیا یا گسترش ابزارهای فشار اقتصادی و ارعاب روانی و سیاسی، به مرحله جدید وارد و به اهداف کلان نزدیک می‌شد؛ به همین دلیل بلافاصله برای شروع اجرای برجام، تحریم‌های جدید علیه ایران فعال شد. مدل مذاکراتی و توافق برجام، براساس مدل خلع سلاح اتحاد شوروی طراحی شده بود و برای آمریکا این فرصت را تولید می‌کرد که حتی اگر در برجام تعهداتی می‌دهد، باز هم ابزار تحریم و فشار با بهانه‌های دیگر، قابل به‌کارگیری باشد. توان نظامی و موشکی، نفوذ منطقه‌ای، حقوق بشر و هزاران عنوان و دستاویز در آستین طراحی و سازوکارهایش فراهم بود. نادانی ترامپ این بود که این پرده فریبکارانه و مرحله‌ای را کنار زد و از برجام خارج شد؛ البته نظام سیاسی آمریکا در تدابیر ویژه استراتژی‌های جهانی خود، دچار سکته و بحران‌های عظیمی بود که باید رفتار غیرعادی برای برهم زدن نظم حاصل از دو جنگ جهانی را به اجرا بگذارد و خروج از برجام نیز گوشه‌ای از این تدابیر است. برجام نه تنها هیچ حاصلی برای ایران در بر نداشته، بلکه به ترمزی راهبردی برای گام‌های مؤثر نیز تبدیل شده است که البته نقش پیاده‌نظام و نفوذی در حفظ این اختاپوس کنترل‌کننده سیاست‌های کشور بسیار حیاتی است. ترامپ تصور می‌کرد با فشار و گسترش اهرم‌های تحریم، باید دستور کار تسلیم‌سازی ۱۱ محوری پمپئو به نتیجه برسد؛ ولی آنچه مهم است، این است که اگر در محیط داخلی و کارکردهای پیاده‌نظام دشمن، هم‌سویی و فراهم کردن زمینه اثرگذاری، دوگانه‌سازی و شرطی‌سازی اجتماعی و افکار عمومی صورت نپذیرد، و این پیاده‌نظام با بی‌تدبیری بحران‌سازی لازم را ایجاد نکند و جلوی اقدامات حیاتی برای حفاظت از منافع ملی و بی‌اثر کردن اهرم‌های تحریمی و... را نگیرد، رؤیای ترامپ و پمپئو به نتیجه نخواهد رسید و کابوس اوباما برای ترامپ نیز تکرار می‌شود. تمام شاخص‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در رفتار مدیریت کشوری و حکومتی که اکنون قابل برشماری است، در یک پازل پرمعنا با راهبرد دشمن قابل تفسیر است که عامدانه یا غیرعامدانه به آنها خدمت کرده است.

پیامد رفتارهای بین‌المللی ترامپ، اگرچه برای اخاذی بین‌المللی و تولیداشتغال مرحله‌ای کارکرد داشته، ولی آثار منفی نیز در مناسبات آنها به جای گذاشته است، به شکلی که سطح منازعه و تنش با روسیه در ابعاد مسابقه تسلیحاتی‌ـ امنیتی و با چین در عرصه اقتصادی و امنیت پیرامونی و منطقه‌ای و محدودسازی سرعت تولید قدرت افزایش یافته است؛ از این‌رو، این دو قدرت با انگیزه جدی‌تر، ظرفیت همراهی با ایران و مقابله با بسیاری از طرح‌های ترامپ علیه ایران را دارند و در شورای امنیت و سیاست بین‌المللی، ترامپ را با چالش قطعی روبه‌رو کرده‌اند.

اگرچه ترامپ با سیاست گسترش و شدت فشار تحریمی، هرگونه امتیاز قطره‌چکانی در برجام را خشک کرده است تا زمینه برجام‌های موشکی و منطقه‌ای را فراهم کند، ولی سررسید پنج ساله برای پایان یافتن تحریم‌های تسلیحاتی در برجام، آنها را به وحشت انداخته است؛ چراکه وقتی سازمان تسلیحاتی و دستگاه‌های نظامی ایران به موازات گسترش روابط اقتصادی، سیاسی و امنیتی با روسیه و چین به زیان سلاح‌های غربی تغییر کند، رؤیای بازگرداندن ایران به رحم استعماری آمریکایی و غربی نابود خواهد شد؛ از این‌رو ترامپ برای جلوگیری از این سررسید در پایان شهریور آینده، ژست بهره‌برداری از سازوکار ماشه در برجام را در دستور کار قرار داد که با اجماع حقوق‌دانان و ناظران، این رویکرد غیرممکن نشان داده شد؛ به همین دلیل با فشار آمریکا و باج مالی عربستان به «گوترش» دبیرکل سازمان ملل، در بیانیه‌ای رسمی، ایران در هدف قرار گرفتن آرامکو از سوی یمنی‌ها، متهم اعلام شد تا دستمایه قطعنامه جدید ترامپ در شورای امنیت سازمان ملل، به عنوان برهم‌زننده صلح و امنیت جهانی شود و درخواست قرار گرفتن ذیل فصل هفتم منشور ملل دنبال شود. این قطعنامه با عنایت به مواضع آشکار روسیه و چین، قابلیت توفیق ندارد، مگر اینکه این دو قدرت جهانی مواضع خنثی یا موافق از خود نشان دهند. ترامپ و آمریکا برای اجبار و تحمیل مذاکره جدید، با مدلی که ماهیت کاملا براندازانه در تمام عرصه‌های هویت، قدرت و منافع ملی دارد، قادر نیست صرفاً به قطعنامه پیشنهادی در شورای امنیت سازمان ملل تکیه کند؛ بنابراین با فشار سیاسی بر شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای و با تکیه غیر قانونی بر اطلاعات جاسوسی و ادعایی رژیم صهیونیستی(که برخلاف نص چارچوب‌های کاری آژانس است)، درخواست بازرسی از دو سایت در ایران را مطرح کرد تا پروژه تسلیحاتی بودن برنامه هسته‌ای ایران که قبلا مسدود شده بود، باز شود و به شکل تدریجی بقیه مفاد برجام نیز مذاکره‌پذیر شود. آژانس در سپتامبر(شهریور) آینده، جلسه دیگر و قطعنامه جدیدی را، چنانچه ایران به درخواست آژانس پاسخ مثبت ندهد، صادر و پرونده ایران را به شورای امنیت سازمان ملل گزارش خواهد کرد. اینکه آژانس در جایگاه ناظر به تعهدات ایران در برجام پذیرفته شده است، یکی از کارکردهای شبکه جاسوسان و پیاده‌نظام دشمن در داخل کشور است که برای تعهدات غربی در برجام، هیچ ناظر و سازوکاری پیش‌بینی نشده است و همه چیز یک‌طرفه و یک‌سویه است و اگر از سوی ایران اعتراضی هم بشود، به سیستم ماشه و بازگرداندن تمام تحریم‌های سازمان ملل منتهی خواهد شد!

این ابزار فشار آژانس که متکی بر پروتکل الحاقی صادر شده، همان چیزی است که داوطلبانه از سوی تیم ایرانی مذاکره‌کننده پذیرفته شده و اکنون، نکته اتکای فشار جدید به ایران است؛ البته به جز NPT و پادمان، پروتکل الحاقی و تعهدات مازاد داوطلبانه هم در برجام پذیرفته شده است که بخش حائز اهمیت نظارت‌های آژانس در این تعهدات فراپادمانی و NPT است. هدف این قطعنامه، بازگرداندن زمینه‌های مذاکره‌پذیر کردن اجزای برجام است، ولی پایه‌های سستی دارد؛ یعنی اگر ایران اجرای پروتکل الحاقی و تعهدات دیگر را داوطلبانه متوقف کند، مبنای حقوقی قطعنامه آژانس حذف و روند اتهامی آژانس که به شکل دستوری خواسته سیاسی آمریکا را اجرا می‌کند، از بین خواهد رفت. جالب این است که رئیس‌جمهور محترم در جدیدترین پالس خود، تلویحا به غرب اعلام کرد واکنشی از سوی ایران به قطعنامه اتهامی آژانس داده نخواهد شد و اگر ترامپ نرمش نشان دهد، ایران مذاکره را می‌پذیرد و آماده است! این در حالی است که آمریکا و اروپا نه تنها به تعهدات خود عمل نکرده‌اند، بلکه ابزارهای فشار بر ایران را گسترش داده‌اند و با وعده‌های اروپایی، شرایط برای اثربخش شدن تحریم‌ها علیه ایران، زمان خریده‌اند. فرانسه در بازی موذیانه جدید، به آمریکا پیشنهاد داده است اگر روسیه و چین به قطعنامه جدید آمریکا رأی نمی‌دهند، چنانچه تحریم تسلیحاتی ایران، فقط بر صادرات سلاح از ایران تأکید و واردات آن ممنوع شود، مواضع روسیه و چین قابل تجدید نظر خواهد بود.

این پیاده‌نظام مجانی دشمن، با تمام تلاش، به جز افزودن بر بحران‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور و ناکارآمد کردن ساختارهای کشوری، بر طبل مذاکره به معنای تسلیم و تحقیر فوری مقابل ترامپ و غرب در رسانه‌های‌شان می‌کوبند و چند ماه باقی‌مانده تا انتخابات ریاست‌جمهوری در آمریکا را برای ترامپ و حیات سیاسی خودشان، الزامی ارزیابی می‌کنند. تجربه عملی و حکومتی و کارکردهای اندیشه غرب‌پرست که لانه‌های جاسوسان را هم پوشش می‌دهند، آنچنان کارنامه سیاهی از خود در سال‌های گذشته نشان داده است که خودشان نیز اعتراف می‌کنند اگر بی‌تحرک بمانند، به تاریخ و زباله‌دانی آن خواهند پیوست.

منبع: هفته نامه صبح صادق